روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ • ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ • ۱۳ فوریه ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۵۲ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۸:۰۲ • اذان صبح‌فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۳

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

از هر نظر بی‌ضرر

شهرداری از نردبان شکایت کرد

پوریا عالمی

● شـهرداری (با مسـوولیت محدود) گزارش زیـر را از خـودش بروز داد. مطالب توی پرانتز کار ما و باقی مطالب کار طنزنویسان شهرداری است:

به‌دنبال حادثه تاسـف‌بار حریق در سـاختمان ۱۱۷ خیابان جمهوری اسلامی و مصاحبه شهردار تهران مبنی بر رسیدگی دقیق و فنی به موضوع (الان با دقیق و فنی آشنا می‌شویم) و یافته‌های تیم‌های بازرسی به شرح زیر است:

۱- مجددا ضایعه درگذشـت دونفر از شـهروندان را در این حادثه تسـلیت عرض کرده و مراتب همدردی خود را با خانواده این عزیزان و مردم تهران اعلام می‌کنیم. (مجددا نه. چون نمی‌دانیم کجا تسلیت گفتند. مجلس ختم هم که نرفته بودند. پس لابد منظورشان از مجددا همان جدیدا است.)

۲- بررسـی‌های انجام‌شـده حاکـی از آن اسـت که فرماندهـی عملیات امداد و نجات در صحنه با جسـارت و مهارت کامل انجام گرفته اسـت. (از شـهروندان تقاضا می‌شـود برای اینکه مدیران، مسـوولان، سـخنگویان و فرماندهـی عملیات که با جسـارت و مهارت کامل قضیه را فرماندهی کرده‌اند، چشـم نخورند، یک مشـت اسفند دود کنید. همین الان و سـریع، چون مدیران ما در خطر چشم‌خوردن‌هستند.)

۳- آنچه تاکنـون به‌عنوان جمع‌بندی‌هـای اولیه به دسـت آمده حاکی از تاثیرگذاری منفی دو مسـاله عدم عملیاتی‌شدن نردبان اول و شلوغی و ازدحام صحنه حادثه است. (پس متوجه شـدیم تقصیر مردم است که صحنه حادثه را شلوغ کردند. لطفا مردم از مسوولان که جسارت و مهارت کامل دارند، عذرخواهی کنند و قول بدهند دیگر شلوغی‌نمی‌کنند.)

۴- ... وجـود مقادیـر معتنابهی از وسـایل و اشـیای قابل‌حریق مثل نخ، البسـه و پشم‌شیشه در مسیر پله‌ها از دیگـر عوامل اصلی این حادثه بوده اسـت. (کجای دنیا در کارگاه دوزندگی نخ و البسـه و پشم‌شیشه وجود دارد؟ دوزندگان عزیز برای پیشـگیری از آتش‌سوزی لطفا جای نخ و سوزن و پشم‌شیشه، از آجر، بلوک سیمانی، تیرآهن و شترگلو استفاده کنند. ممنون.)

۵- بررسـی عملکرد عملیات نجات سال‌های گذشته توسط آتش‌نشانی، نشانگر افزایش مهارت و استفاده بهینه از ابزار و امکانات موجود در سـازمان اسـت. (بله. مردم در این فاصله رفته‌اند باشگاه و تمرین کرده‌اند که در «استقرار مستحکم خود لب پنجره» ناتوانی نداشته باشند.)

۶- در خاتمـه متذکـر می‌شـویم شـهرداری تهران همچنان خود را آماده خدمت‌رسـانی به مردم در حوادث احتمالی پیش‌رو دانسـته و... (خب. مردم توجه کنند که شـهرداری اعلام آمادگی کرده خدمت مردم برسد. یعنی خدمت‌رسـانی کند. برای همین زیر پـل مراقب ریختن پل، در تونل مترو مراقب سیلاب، در ایستگاه مترو مراقب دستفروش‌ها که خودشان را پرت نکنند پایین و در هنگام آتش‌سوزی مراقب لب پنجره باشند.)

پایان‌بندی

بعد از نزدیک به یک‌ماه انشای بالا را شهرداری منتشر کرده و دریغ از دوخط ابراز تاسـف یا قبول مسـوولیت. ما متوجه شدیم بنا بر نامه بالا، مقصر اصلی نردبان بوده و بدهی ۴۳۰میلیونی شهرداری به شرکت یویکو ماگیروسو، ضعف مدیریت و چه‌وچه ربطی به هیچ‌چیز دیگر نداشته است.

نتیجه‌گیری

نتیجه می‌گیریم در اینجا همیشه اشیای بی‌جان مقصر هستند.

اتفاق

نامه کودکان «محک» به برنده دیپلم افتخار

● **شرق:** در مراسم اختتامیه سی‌ودومین جشـنواره فیلم فجـر، میلاد کی‌مـرام، برنده دیپلـم افتخـار نقش مکمل مرد در این جشـنواره و یکی از یاوران محـک، جایزه خود را به کـودکان تحت حمایت محـک اهدا کـرد. این هنرمند پیـش از این نیز تندیس جشـنواره مقاومت را که نخسـتین جایزه‌اش در رشـته بازیگری بود، در مراسم روزی با محک به کودکان مبتلا به سرطان تقدیم کرد. میلاد کی‌مرام کاپیتان تیم محک بود. محک ضمن سپاس از این هنرمند عزیز، بار دیگر قدردان لحظه‌لحظه همراهی تمامی یاورانی است که در زیباترین لحظات زندگی‌شان کودکان مبتلا به سرطان محک را از یاد نمی‌برند و با تداوم حضورشان تداوم حمایت درمانی و رفاهی از آنها را ممکن می‌سـازند. در نامه کودکان محک به میلاد کی‌مرام چنین آمده اسـت: «عمو میلاد سلام ما امشب تورو توی تلویزیون دیدیم که جایزه جشنواره فجر گرفتی و جایزتو به ما دادی. تازه خاله‌های پرسـتار گفتن که همین چن روز پیش هم یه جایزه دیگه که قبلا تو یه جشنواره دیگه گرفته بودیو به بچه‌های محک دادی. تازه اون جایزه‌هه اولین جایزه‌اتم بوده. ما اولین جایزه‌هایی که گرفتیمو خیلـی دوس داریم و حتی اونو به مامانمون هم نمی‌دیم. آفرین کـه بلدی خوب بازی کنی و اینهمه هی جایزه می‌گیری. بازم مثل چنددفعه‌ای که اومدی و با هم عکس گرفتیم بیا پیش ما تا بهمون بگی بازیگرا چجوری می‌تونن جلوی اون‌همه دوربین و آدما بازی کنن. دوستت داریم عمو میلاد هنرمند.»

از طرف «زهرا، علی، محمدباقر، نگین، سارا، پویا، سمانه» کودکان محک.

کارتون خواب

نازنین جمشیدی

nana.jamshidi@gmail.com

در حاشیه پخش نصفه و نیمه مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر از تلویزیون

زندگی دیگران

فردای یک روزنامه و اختلاف خانوادگی

امیلی امرایی

«ماریو بارگاس‌یوسا» عاشق روزنامه است، روزنامه‌نگاری کرده اسـت، شـخصیت‌های روزنامه‌نگار داستان‌هایش برای همیـن هم خیلی واقعی هسـتند، درسـت مثل شخصیت‌های رمان «گفت‌وگو در کاتدرال». یوسا هنوز هم ستون ثابتش را در روزنامه «آل‌پاییس» رها نکرده است و هر هفته درباره هرچیزی که دغدغه‌اش است می‌نویسد، از سرنوشـت رمان تا رفتار سیاستمداران آمریکای‌لاتین و البته سرنوشـت مطبوعات. طی چند روز اخیر دعوای او و پسـر بزرگش درباره چگونگی نگرش به رسـانه‌ها به مطبوعات کشیده اسـت و نه «ماریو بارگاس‌یوسا» کوتاه می‌آید و نه پسـرش «آلوارو بارگاس‌یوسـا». روزنامه «ال کامیریکـو» یکی از قدیمی‌تریـن روزنامه‌هـای «پرو» با تیراژ ۱۵۰هزار نسـخه‌ای، یکی از دغدغه‌های مطبوعاتی یوساست که به تازگی یک شرکت اقتصادی بزرگ بیش از ۸۰درصد از سهام این روزنامه را یکجا خریده است؛ اتفاقی که به‌نظر ماریو بارگاس‌یوسـا برای استقلال یک روزنامه حرفه‌ای قدیمی آسـیبی جدی اسـت. یوسـا آن را یک فاجعه در زمینه انحصارطلبی می‌داند، زیرا این شـرکت، مدتی است شروع به خرید سهام روزنامه‌های معتبر کرده است و به این ترتیب با یک تمرکز رسانه‌ای می‌تواند آزادی مطبوعـات را به انحصار خودش دربیـاورد و حتی به آن آسیب بزند. البته آلوارو یوسا پاسخ پدرش را در گفت‌وگو با رسانه‌های پرو داده است. او می‌گوید: «این بازار آزاد است و باید آن را با همه بالا و پایین‌هایش پذیرفت و نمی‌توان گفت شرکت‌های اقتصادی حق ندارند در این حوزه‌ها وارد شوند و مطبوعات باید استقلال خودشان را از راه دیگری حفظ کنند.» اما ماریو بارگاس‌یوسـا معتقد است: «اینکه شـرکت‌های تجاری با پروپاگاندایی این‌چنینی تصمیم می‌گیرند روی کار رسـانه و روزنامه سرمایه‌گذاری کنند و شروع به خریدن سهام روزنامه‌ای همچون «ال کامیریکو» می‌کنند نتایج فاجعه‌باری برای دموکراسی خواهد داشت. آزادی مطبوعات اسـت که سـبب می‌شود مردم به یک درک دموکراتیـک از زندگی عمومی برسـند، اما وقتی شـرکت‌های تجاری این‌چنین تصمیم می‌گیرند در این فضاها رخنه کنند در آینده نه‌چندان‌دور برنامه‌ای دارند که می‌خواهد آزادی را از آنها سلب کند.» ماریو بارگاس‌یوسا سیاستمداری کارکشته نیز هست، او رقیب فوجی‌موری در انتخابات ریاسـت‌جمهوری سـال ۹۰ بود که با تقلب فوجی‌موری، یوسـا از گردونه سیاسـت خودش را کنار کشـید، اما در تمام گفت‌وگوهایش تاکید کرده است که به‌عنوان یک دیده‌بان برای حفظ دموکراسی در آمریکای لاتین تلاش خواهد کرد. اما آلوارو بارگاس‌یوسا نویسنده و مفسر سیاسی معتقد است این برخوردها از سوی پدرش مردم را نسبت به قضاوت درباره رسانه‌ها گیج می‌کند. او گفته است: موضع پدرم در قبال مقوله دموکراسی و بازار آزاد، گیج‌کننده و حتی شـاید بتوان گفت دوسویه است. اگر دموکراسی را قبول دارد پس هر کسی می‌تواند در هر جایی که دلش خواست سرمایه‌گذاری کند و مطرح‌کردن اتهام‌های این‌چنینی از یک‌جور بدبینی ناشـی می‌شود و ربطـی به آزادی بیان ندارد. اما ماریو بارگاس‌یوسـا از انجمن‌هـای دفـاع از آزادی مطبوعـات در کشـورهای آمریکای لاتین خواسته است حرمت خود را حفظ کنند و برای بقا، دست به دامن شرکت‌های تجاری نشوند. او گفته است: همیشـه قرار نیست روزنامه‌نگار خودش قلمش را بفروشد، گاهی وقت‌ها سرمایه‌گذار است که او را مجبور به این کار می‌کند، آن هم بدون اینکه روزنامه‌نگار بداند چه بلایی به سرش آمده است.

فرداگذرانی

● **نمایشنامه‌خوانی:** بنیاد خیریه «یـاران برکت‌مهـر»، «چنـد داسـتان از آنتوان چخوف» را به‌کارگردانی لیلا ارجمند و با بازی صابر ابر، حسن معجونی، رضا بهبـودی، بهناز جعفری، الهام کردا، شهاب زارع و ندا جبرییلی به روی صحنه می‌برد. این نمایشنامه‌خوانی، به‌نفع زنان سرپرست خانوار، شنبه ساعت ۷ عصر در فرهنگسرای اندیشه برگزار خواهد شد.

● **موسیقی:** برای آنانی که نمی‌توانند امروز به دیدن کنسرت رضا یزدانی در برج میلاد بروند شنیدن آلبوم «سـاعتا خوابن» هم که به تازگی منتشر شده، شاید تجربه خوبی باشـد. این اثر سه‌گانه «رضا یزدانی» را کامـل می‌کند. «کسـی از ما جهان‌آرا نمی‌شـه» از ترانه‌هـای او در ایـن آلبوم ادای دینـی به قهرمان هشت‌سـال دفاع مقدس ایران یعنی شهید محمد جهان‌آراست.

● **بلیت‌فروشی:** از پس‌فردا پیش‌فروش اینترنتی بلیت قطارهای مسافری نوروزی از تاریخ ۲۵اسفند ۹۲ لغایت ۱۵فروردین ۹۳ از ساعت ۱۲ بامداد آغاز خواهد شد و متقاضیان می‌توانند با مراجعه به سایت http: //ticket. rai. ir بلیط سـفرهای خود را تهیه کنند.

آغاز

شیرجه در سونامی اطلاعات

کریستف رضاعی

آهنگساز

فردا سـالگرد آغـاز بـه کار «یوتیوب» اسـت. وبگاهی که ۹سـال پیش تاسیس شد در سـال ۲۰۰۵. اوایل سال ۲۰۰۶، بیـش از ۶۵۰۰۰ ویدیو روزانه در «یوتیوب» بارگذاری می‌شـد و ۱۰۰میلیـون بازدیدکننده داشـت. شش‌سـال بعـد روزانه چهارمیلیارد ویدیو در این سـایت دیده می‌شد. وجود اینترنت تحولـی انکارناپذیر در نگـرش اخبار، اطـلاع و دانش بصری، شنیداری و معلوماتی برای انسان در این قرن‌بوده و خواهد بود. امروزه اگر تمایل داشـته باشیم، می‌توانیم به هرگونه اطلاعات خشن یا آرام، زیبا یا زشت و پیش از هرچیز درست یا نادرست یا بین این دو، دسترسی داشته باشیم. هر کسی می‌تواند پشت رایانه شخصی‌اش بنشـیند یا به کافی‌نت برود و شیرجه بزند در اقیانـوس عظیم اطلاعات. به این طریق می‌توانیم بیاموزیم و دانش بیشتری به دست آوریم یا ممکن است کمتر بیاموزیم و اشـتباه. در این تنوع این امکان هسـت که اینترنت علامت خطر باشد. چطور می‌توانیم بین این همه اخبار انتخاب کنیم، درست درک کنیم و معانی اطلاعاتی که می‌بینیم، می‌شنویم یا می‌خوانیم را پیدا کنیم؟ چطور می‌شود بر این هیولا تسلط پیدا کرد؟ در مقابل این خطر یا بهتر است بگوییم این مجهول (که لزوما هم به معنای خطر و ترس‌برانگیز نیست) یک سوال پیـش می‌آید که: آیا می‌توانیم یا اجازه داریم که آزادانه به این اطلاعات یا تصاویر دسترسـی داشته باشیم؟ اگر جواب «خیر» باشـد سپس سوال دیگری مطرح می‌شود: چه کسی می‌تواند به خودش حق بدهد به جای ما این اطلاعات را انتخاب کند؟ چه کسی شناخت و فاصله کافی دارد در مقابل این پدیده جدید برای اینکه قاطعانه تصمیم بگیرد که یک ویدیو را می‌شود دید یا نمی‌شـود؟ آیا این دخالت در اطلاع‌رسانی، ریسک بیشتری ایجاد نمی‌کند و واقعیت را گمراه‌تر نمی‌کند برای فهم و اکتشاف این غول؟ سیسـتم‌های نظارت اطلاعات ایـن وبگاه‌ها که بر اساس تجربه و مشکلات پیش‌آمده، ایجاد شده و می‌شوند (به همان شـکلی که اکثر قوانین و قواعدی که در اجتماع جهانی وجود دارد ایجاد شده‌اند) می‌توانند کافی باشند، بدون دخالت ارگان‌هـای دولتی و با رعایت پرنسـیپ‌ها و اصولی که زندگی اجتماعی ما را اداره کرده‌اند یعنی رعایت تفاوت عقیدتی، احترام به دیگـران، آزادی بیان با درنظرگرفتن حـدی که احترام به تفاوت‌ها ایجاد می‌کند. قدم‌به‌قدم جلو می‌رویم، بدون تصویر واضح و درستی از سرنوشت اطلاعات و اخباری که در راهند... حیف نیسـت اگر آموزش کلی این پدیـده را با انتخاب جهت گمراهی، که ما را با ناآگاهی و ناآموزی به طرف عدم‌شـناخت می‌برد از دسـت بدهیم؟ این گردآب، این سـونامی اطلاعات، اجتناب‌ناپذیر است. هیچ‌چیز، هیچ‌کسی، هیچ دولت یا سازمانی در هیچ کجای جهان، نمی‌تواند متوقفش کند. «آنتوان دو سنت اگزوپری» می‌گوید: «دانسـتن، اثبات‌کردن نیست، شرح‌دادن نیست، رایافتن به بصیرت است.»

ذره‌بین

گفت‌وگو با جواد رضویان درباره مسایل شهروندی:

هیچ‌وقت به کودکان کار کمک نمی‌کنم

دنیا عیوضی: با اینکه هرچند وقت یک بار خبرخوشـی در بهبود اوضاع می‌رسد اما انگار نمی‌توان به این چیزها امیدوار بود. این‌بار در «ذره بین» به سراغ جواد رضویان رفته‌ایم تا از او درباره وظایف وعلایق شهروندی بپرسیم.

این‌روزها همه‌جا بحث آلودگی اسـت، آلودگی هوا، آب و... فکر می‌کنید شما در آلودگی محیط‌زیست چقدر سهیم هستید؟

در خیلی از بخش‌ها، حتی همان زباله‌ای که شبانه تولید می‌کنیم و سـاعت۹ می‌گذاریم در سطل زباله داخل محله. شاید خیلی‌های آن قابل بازیافت نباشد و قسمتی از طبیعت شود و اگر قابل بازیافت هم باشد تجزیه‌شدنش سال‌ها طول می‌کشد و به عمر ما قد نمی‌دهد. علاوه بر این زباله‌های شبانه که به دامان طبیعت اضافه می‌کنیم.

بین همه اینها از نگاه شما کدام آلودگی محیط‌زیست بیشترین ضربه را وارد می‌کند؟

شـاید دیدن لیوان‌های یک‌بارمصرف و بطـری و آب و نوشـابه و هر نوع زباله دیگر در طبیعت آزاردهنده باشد اما کشنده نیست، با دیدن آنها ما دلمان می‌سوزد. اما این دود و هوای آلوده تهران که ما هرروز استنشاق می‌کنیم موجب مرگ و بیماری می‌شـود و قاعدتا نباید سالم بمانیم. به‌نظر من با این آلودگی هوا این سرانه عمری که در ایران تخمین می‌زنند هم برایمان زیاد است.

فکر می‌کنید فرهنگ‌سازی برای ترویج جلوگیری از آلودگی‌های محیط‌زیست، تاثیری هم دارد؟

من همیشـه فکر می‌کنم باید فرهنگ‌سـازی درست و حسـابی‌ای در این زمینه انجام شـود. مردم ما مردم بسیار فرهنگ‌پذیری هسـتند. همان‌طور که قبل‌تر دیدیم با یک انیمیشن و چند تا شخصیت این اتفاق افتاد و رعایت ایمنی جزیی از فرهنگ شـده است. مسوولان برای فرهنگ‌سازی مردم وظیفـه دارند، به‌خصوص برای حفظ محیط‌زیسـت لازم اسـت محصولاتی را فراهم کنند. پس از آن قطعا مردم هم بیشـتر رعایت خواهند کرد. تکنولوژی در جامعه ما هم مثل همه دنیا خیلی سریع آمد اما فرهنگ استفاده صحیح از خیلی چیزها به‌درسـتی تعریف نشد. بعضی موارد را باید به جامعه و مردم مکرر یادآور شـد؛ مواردی مثل استفاده از حمل‌ونقل عمومی و جلوگیری از آلودگی بیشتر هوا.

حالا که مثال زدید خودتان هم از وسایل حمل‌ونقل عمومی‌استفاده‌می‌کنید؟

من برای اسـتفاده از نـاوگان عمومی کمی محدودیت دارم، اما اغلب زمانی که اعلام می‌کنند هوا آلوده است سعی می‌کنم با آژانس جابه‌جا شـوم یا با سرویس محل کار بروم. لااقل امسال که هوا به‌شدت آلوده بود کسی من را با ماشین شخصی در محل کارم ندیده است. برای ما استفاده از وسیله حمل‌ونقل عمومی کمی سخت است.

چـه صحنه‌هایی جـزو صحنه‌های تلـخ دوروبرتان محسوب‌می‌شود؟

دیـدن کودکان کار، فقط صحنه‌هایی اسـت که درد ما را بیشـتر می‌کند. گاهی پیش می‌آید که با انرژی در حال رفتن به محل کارم هسـتم و قرار اسـت یک روز سـخت کاری داشـته باشم، یکدفعه با این کودکان روبه‌رو می‌شوم. دیدن این منظره‌های تلخ که مثلا کودکی یک مرتبه سـر چهارراه به پاک‌کردن شیشـه ماشـینم مشـغول می‌شود، معمولا به‌شـدت ناراحتم می‌کند. من هیچ‌وقت به کودکان کار کمـک نمی‌کنم. چون می‌دانم پولی که به آنها می‌دهم مصرف خودشان نمی‌شود. گاهی من رشد این بچه‌ها را در منطقه‌ای که زندگی می‌کنم شـاهد بوده‌ام که مثلا سال‌هاسـت این کـودک در این خیابان در حال دستفروشی است. گاهی شده که وقتی دیروقـت از محل کارم برمی‌گردم دیده‌ام که این بچه‌هـا را با ماشـین می‌برنـد و صبح‌ها می‌آورند، بنابرایـن فکر می‌کنم صلاح این است که به آنها کمک نکنیم. گاهی چهره شـهر ما خیلی زیباست، گاهی زحمت‌هایی که شـهرداری طی این سال‌ها داشته یکباره به‌چشم می‌آید، روزهای بارانی پایتخت زیباست، اما دیدن بچه‌های کار روزمان را نابود می‌کنـد؛ بچه‌هایی که هرکدام به شکلی ناراحت‌کننده در شهر کار می‌کنند، یکی اسپند دود می‌کند، دیگـری شیشـه ماشـین را پاک می‌کنـد و گاهی هم تکدی‌گری می‌کنند. به‌تازگی هم مد شـده که ماشین آدم را بوس می‌کنند، برای من دیدن این تصاویر تلخ است.

فکر می‌کنید چطوری باید از آنها مراقبت کرد؟

مـا یکدفعه که می‌رسـیم به ایام ماه مبـارک رمضان متوجه می‌شـویم که باید به این مراکز و امور خیریه کمک کرد و توسعه‌اش داد. اما در دیگر اوقات سال کاملا فراموش می‌شود. من فکر می‌کنم رسانه‌ها باید در این زمینه بیشتر کار کنند که کسانی که توان مالی بیشتری دارند را در این زمینه دخیلشان کنند. من همین‌که چنین مراکزی در تهران هسـت احسـاس غرور دارم و خدا را شکر می‌کنم چون در خیلی از شـهرها وجود ندارد. بودن این مراکز خیلی خوب اسـت اما چگونه اداره‌شدنش هم مهم است و حالا با دولت جدید امیدواریم که اتفاقات خوش‌تری در این زمینه صورت گیرد.

اهل قضاوت‌کردن هستید؟

به‌طورکلی آدمیزاد در حال قضاوت‌کردن دیگران است. حالا این قضاوت‌ها ممکن اسـت عجولانه باشد، طوری که دلایل مناسبی برایش نباشد و احساسی باشد. خیلی‌وقت‌ها هم ممکن است که درست و بجا باشد. من ترجیح می‌دهم بیشتر قضاوت شوم تا قضاوت کنم. این حس را به‌واسطه کارم دارم که مردم ببینند، بپسندند یا رد کنند.

چقدر حقوق شهروندی را رعایت می‌کنید؟

در حد توانم این مورد را رعایت می‌کنم.

و حالا اگر کسی حقوقتان را پایمال کند چکارمی‌کنید؟

قطعـا هرکسـی بایـد قایـل به حق‌وحقوق خود باشد. وقتی حق خودم را بدانم اگر کسی در مقابلم ناعدالتی کند قطعا من برای گرفتن حقم بلند خواهم شـد. حالا ممکن اسـت این اعتراض در حد یک نگاه یا تذکر و در حد کلمه یا برخورد باشـد که آقا شما دارید حق من را پایمال می‌کنید. به‌طورکلـی اگر ما حد خودمـان را بدانیم ممکن است هیچ‌وقت پایمان را از گلیم‌مان درازتر نکنیم.

زیرچشمی

به احترام ۲مرد

امیرحسین ناصری

۱- آدم‌هایی هستند که نمی‌توانی دوستشان نداشته باشی. شاید به اندازه بعضی‌ها سروصدا نداشته باشند. شاید بلد نباشند مانند برخی از کاه وجود و دانش‌شـان، کوهی فرضی بسازند اما قابل احترام‌اند. معلومات و دانش بیشتری دارند، برای شغلشان احترام قایل‌اند و از کارشان لذت می‌برند. برای ترقی نیازی نمی‌بینند که دیگران را تخریب کننـد. غرور بیجا ندارند و خلاصه از هر سو به آنها می‌نگری چیزی جز احترام، شایسته‌شان نمی‌بینی.

۲- باشگاه‌هایی هم هستند که در بلبشوی فوتبال ایران، بدون ادعا، حرفه‌ای شـده‌اند. فرقی نمی‌کند مدیرانشان چه کسانی باشـند، این برنامه‌ریزی سیستماتیک اسـت که روند رشد را هدایت می‌کند. مدیر در جایگاه واقعی‌اش نشسته. برای گرفتن دومیلیون‌تومان از دولت، رسانه‌ها را از مصاحبه خفه نمی‌کند. خیلی مواقع مشکلات مالی دارند اما لزومی نمی‌بینند بازی را در رسـانه‌ها ادامه بدهند. به دلیل اینکه ساختار دقیقی وجود دارد و مدیریت در این سـاختار نیاز به هوچی‌گری ندارد. آنها آموخته‌انـد فوتبال هم مثل سـایر بخش‌ها به مدیریت واقعی نیازمند است. این دسته باشگاه‌ها اگرچه دور از چشم ما هستند اما قابل احترام‌اند.

۳- روز یکشنبه بیست‌وهفتم‌بهمن‌ماه، یک بازی دوستداشتنی در لیگ برتر فوتبال برگزار می‌شـود که می‌توان گفت باید به احترامش نشسـت و تماشـایش کرد. اگر ما به فرهنگ‌سازی معتقدیم یک بار هم که شـده لفاظی و شـعار را بگذاریم کنار و بـازی نفت تهران و فولاد خوزسـتان را تبلیغ کنیم. ایرادی ندارد. نفت بدون هوادار است و فولاد در قیاس با استقلال اهواز هواداران کمتری دارد اما این رقابت، دیدنی است، قابل احترام است.

۴- حسین فرکی را می‌شناسـید؟ بله همان دستیار برانکو، کمـک چیرو و خیلی‌هـای دیگر. وقتی فولاد خوزسـتان را تحویـل گرفت کسـی فکـرش را می‌کرد پدیده مسـابقات شـود؟ در سالی که کمترین بودجه را داشت بهترین نتایج را گرفت. یحیی گل‌محمدی را چطور؟ طرفداران پرسپولیس او را خوب می‌شناسـند. وقتی با توجه به نتایج خوب نیم‌فصل دوم قبل، ابتدای فصل کنارگذاشـته شد بی‌سروصدا به نفت رفت. شخصیت تیم نفت، شخصیت یحیی است، آرام، صبور و قابل احترام. سختکوش و البته خوش‌فکر. بازی نفت- فولاد را ببینید و بدون اینکه به طرفداری از سـرخ و آبی برخیزید، بگویید تیم یحیی بهتر بازی می‌کند یا تیم دایی؟ تیم فرکی نمایش بهتری دارد یا تیم قلعه‌نویی؟

۵- دو باشـگاه فولاد اهواز و نفت تهران را باید الگوی مدیریت فوتبال ایرانی دانسـت. باشگاه‌هایی که به معنای واقعی باشگاه شـده‌اند. بودجه بالایی ندارند (برخلاف دیگران) اما مدیریت و سـاختار خوبی دارند. بی‌آنکه وارد هیاهوی من پرطرفدارترم یا تو، من پایتخت فوتبالم یا او، من بلدم بیشتر جام بالای سر ببرم نه تو، با کمترین حواشی کار می‌کنند. ای کاش صداوسیما این بازی را پخش کند. شـاید این کمترین تقدیر از این گروه قابل احترام‌باشد.

خبر فردا

خبرهای فردا هـم می‌تواند نگرانی درباره افزایش آلودگی در شـهرهای بزرگ تا دوروز آینده باشد و هم بحث در زمینه حذف کارت سوخت که به‌عنوان یک پیشنهاد مطرح شده یا به پیشواز ولنتاین رفتن یا اندکی هم امیدواری به‌رفع نگرانی درباره پنج سرباز ربوده‌شده. قرار است آخرین تغییرات بودجه هم در کمیسیون تلفیق روزهای اول هفته آینده انجام شود؛ بودجه‌ای که در آن افزایش قیمت سـوخت فعلا عقب افتاده اسـت. در آن سـوی آب‌ها هم می‌توان به نگرانـی مردم در آمریکا برای توفان‌های سهمگین شـرقی که منجر به تعطیلی ۸۸۸ پرواز شده بود، اشـاره کرد یا انتظار تحلیلگران برای دریافت نتایج مثبت از دیدار سران دو کره پس از هفت‌سال و شاید کمی هم امیدواری به اتخاذ تصمیم‌های مثبت در ژنو ۲ که شاید بتواند وضعیت ۱۲میلیون آواره سوری را اندکی بهبود بخشد.

● «عصبانی نیسـتم» ماجرای انصراف خودخواسـته یا دبیر جشنواره خواسته یا گروه‌های فشار خواسته و... ماجرایی شده اسـت که درباره آن تحلیل‌های متعددی مطرح شده است و به‌نظر می‌آید در این‌روزها می‌تواند به اکران فیلم در جشنواره برلین چشم داشت که تا شنبه در چند سانس در بخش پانوراما نشان داده می‌شود؛ جشنواره‌ای که معمولا فرصت خوبی برای توجه به تجربه‌های متفاوت ایرانی است.

● تصور اینکه آلودگی هوا دوباره به مردم در شهرهای بزرگ هجوم می‌آورد اتفاقی اسـت که انگار گریزی از آن نیست. این درحالی است که پیشـنهاد معصومه ابتکار هم از وزارت نفت برای توقف تولید بنزین در پتروشـیمی‌ها رد شـده است. اما رییس سازمان ثبت‌احوال کشور افزایش مرگ‌ومیرها در هنگام آلودگی هوا را تایید کرده است.

● این روزها موج نگرانی درباره پنج سرباز ربوده‌شده افزایش یافته است، درحالی که مردم به شکل‌های گوناگون از حضور در کمپین یا در فضاهای مجازی به این اتفاق اعتراض می‌کنند، شـاید باید منتظر ماند که با وجود کمپین‌های اعتراضی که تشکیل شده و همچنین اعزام تیمی دولتی برای گفت‌وگو به پاکستان به نتیجه‌های امیدوارکننده رسید.

● فردا هم ولنتاین اسـت و تحقیقات نشان داده که آی‌پد اپل پرطرفدارترین هدیه این روز در انگلیس است. مرسوم‌ترین هدایای ولنتاین در این کشـور، شکلات است که معمولا افراد همراه گل و کادو برای یکدیگر تهیه می‌کنند.